

بِه نامِ خدا

وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری



دانشکده موسیقی

اجرای پایانی (پایان نامه) جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی نوازندگی موسیقی ایرانی

موضوع عملی:

نوازندگی ساز کمانچه در آواز دشتی

استاد راهنمای بخش عملی:

محمد مقدسی

موضوع نظری:

بررسی موسیقی شادمانه و مراسم عروسی در ایل بختیاری

استاد مشاور بخش نظری:

محمد رضا درویشی

نگارش و تحقیق:

کاوه معتمدیان دهکردی

شهریور ۱۳۸۹

تقدیم به روح سبز مادرم

که یادِ او در لحظه لحظه ی زندگی ام جاریست

چکیده :

این رساله به بررسی موسیقی شادمانه و عروسی در ایل بختیاری به عنوان بزرگترین جامعه عشایری ایران می پردازد و در این راه به مسائل پیرامونی اعتقادی ، فرهنگی و تاریخی ای که زمینه ساز یا موثر بر نوع رویکرد ایل بختیاری به مسئله عروسی و موسیقی و نواهای شادمانه است نظر می کند . زیرا که موسیقی بختیاری با تمام تار و پود زندگی این مردم عجین است و بدون موسیقی بسیاری از آیین های بختیاری و زندگی مردم فاقد معناست .

تأثیر بی بدیل موسیقی بختیاری بر زندگی مردم و همچنین عدم وجود منابع مکتوب کافی در مورد ویژگی های موسیقایی این منطقه عامل اولیه ضرورت توجه به این موضوع بوده است .

این رساله مشتمل بر موقعیت جغرافیایی منطقه ، رقص (بخشی از آیین هاست و آیین نیز تبدیل یک محتوای اساطیری به عمل است) و نماد شناسی آن ، اشعار و نحوه ی برگزاری مراسم عروسی ، نُت نگاری ، آوانگاری اشعار و تجزیه و تحلیل تعدادی از مقام های راست (شادمانه) این منطقه به انضمام تصاویر سازها و برخی از رقص ها می باشد .

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	نقشه ی موقعیت جغرافیایی مورد تحقیق
۴	موقعیت جغرافیایی ایل بختیاری
۵	نماد شناسی
۷	رقص و جنبه های نمادین آن
۱۱	حروف الفبا و برابره های آوایی آنها
۱۲	اشعار مراسم عروسی در ایل بختیاری
۲۰	نحوه ی برگزاری مراسم عروسی و انواع آن
۲۸	نت نگاری مقام ها
۴۱	تجزیه و تحلیل مقام های نت نگاری شده
۶۰	نتیجه گیری
۶۱	جدول توالی اصوات و جایگاه آنها در مقام
۶۳	پیوست ۱ سازها
۷۰	پیوست ۲ بازی ها و رقص ها
۷۷	فهرست منابع و مآخذ
۷۸	Abstract

مقدمه:

تحقیقی که پیش رو دارید حاصل تلاش مستمر و به قدر بضاعت نگارنده این سطور در زمینه فرهنگ و موسیقی راست (شادمانه) مردم بختیاری است که با صرف اوقات فراوان و جستجوی بسیار فراهم آمده است .

البته شایان ذکر است که برای شناخت فرهنگ و موسیقی هر قوم نیاز به پژوهش های علمی و گسترده و کاری مداوم و پیگیر است ، که از توان یک فرد خارج است و تحقیقی این چنین کار مستمر و گروهی را می طلبد . اما با این همه سعی کرده ام با مراجعه به مردم بخشی از مناطق بومی سرزمین بختیاری که محدوده ی آن را درون نقشه ای که در متن آورده شده مشخص کرده ام ، از چهارمحل و بختیاری گرفته تا کهکیلویه و بویر احمد و خوزستان ، برخی از این مقام های بکر را جمع آوری کرده و آنهایی را که در معرض فراموش شدن بودند را نوتنگاری کرده و مورد بررسی قرار داده ام .

در طول این مسیر با نوازندگان و خوانندگان بسیاری آشنا شدم که از آن جمله می توان به کوروش اسدپور ، رحیم عدنانی ، غلامشاه قنبری ، داوود حسینی و زنده یاد امیر صیدالی نام برد ، که آوازهایی را اجرا کردند که هرکدام از آن آوازاها را مقام می گفتند . (دی نه ، دوالالی ، شهناز ، داینی و ...)

اکثر مقام هایی که از لحاظ کیفیت ضبط مناسب نبودند و خوانندگان نیز در حین اجرا با اشتباهاتی مواجه می شدند را نگهداری کردم و به وسیله خوانندگان دیگری که این مقام را با تسلط اجرا می کردند تطبیق داده ام و نت نگاری و تجزیه و تحلیل کردم .

و چه دشوار است این جلوه های با شکوه و زیبا ، تموجات روحی ، احساسی ، تاریخی ، اجتماعی ، اقلیمی این دیار را به تحلیل و تفسیر کشیدن ، به عقیده بنده مجموعه همه این ها می تواند ره گشای اندکی به ژرفای تاریخی این جوشش های پرتلاطم ایران زمین باشد و در نتیجه به شناخت و شناسائی این فرهنگ الوانی و تپنده و رازآلود بیانجامد .

در اینجا بر خود لازم می دانم از همکاری دوستان عزیز و ارجمندم جناب آقایان رحیم عدنانی ، روزبه خسروی و جعفر صالحی که در جمع آوری این پروژه مرا یاری کردند صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم .

اینجانب همیشه قدرشناس بزرگواران و استادان ارجمندم استاد محمدرضا درویشی ، در بخش نظری و استاد محمد مقدسی در بخش عملی هستم که با کمک های بی شائبه مرا قدردان همیشگی خود فرمودند .

در پایان از همسر عزیزم منصوره نکوئیان که صبورانه مرا در گردآوری این پروژه یاری کرد
کمال تشکر را دارم و همواره سپاسگزار این یار بی دریغ و دروغ زندگی ام هستم .

نقشه ی موقعیت جغرافیایی منطقه ی مورد تحقیق



موقعیت جغرافیایی ایل بختیاری

«بسیار مشکل است که بتوان سرحدات بختیاری را به طور وضوح مشخص کرد، چرا که حدود و ثغور منطقه ی بختیاری به طور دائم در حال تغییرات و بستگی به قدرت و نفوذ خوانینی دارد که بر آن منطقه حکومت می کنند. قلمرو بختیاری شامل مناطق کوهستانی است که بین سرزمین لرستان فعلی و کرانه های خلیج فارس قرار گرفته است و این منطقه سرزمینی به وسعت بیست و پنج هزار مایل مربع را در بر میگیرد. شاید بتوان گفت دو شاهراه در شمال و جنوب، سرحدات بختیاری را به هم متصل می کند یکی آن دو شاه راهی است که از شمال بختیاری یعنی بروجرد به گردنه رخ و سرحدات اصفهان کشیده شده، دیگری جاده ای است که از دزفول و شوشتر به رامهرمز و بهبهان تا نواحی جنوبی امتداد می یابد.

بختیاری از شمال محدود است به لرستان و از غرب به خوزستان و خلیج فارس و از شرق به اصفهان، و از جنوب به کهکیلویه.

بین اصفهان (پنج هزار و سیصد پا ارتفاع از سطح دریا) و اهواز (سیصد پا ارتفاع از سطح دریا)، چهار رشته کوه و چند تپه کوچک وجود دارد. تمام این سلسله ارتفاعات از شمال غربی به جنوب غربی امتداد می یابند. جاده لینچ از گوشه سمت راست ارتفاعات کشیده شده و در بعضی نقاط از گردنه هایی که تا هفت هزار و هشتصد پا از سطح دریا ارتفاع دارند، عبور میکند. لازم به تذکر نیست که این جاده در فصل زمستان در اثر نزول برف، چند ماهی مسدود میگردد و رفت و آمد قوافل در آن قطع میشود.» (مکین روز-ص ۵۶ و ۵۷)

نمادشناسی:

«نماد» را با سمبل^۱ مترادف می‌دانند و آن را به «نشان»، «علامت»، «نمونه» و «اشاره» «رمز»، «کنایه»، «مظهر» و ... نیز یاد کرده‌اند. «نماد» پدیده‌ای است به قدمت و تاریخ بشریت که البته در یکی دو قرن اخیر به شکل قانونمند جایی را در مکاتب ادبی-هنری برای خود باز کرده است.

«انسان بسیار پیشتر از آنکه ابزار ساز باشد حیوانی «نمادساز» بود، پیش از آنکه به درجات عالی تخصصی شدن در جنبه‌های مادی فرهنگ برسد، در ترانه، رقص، آئین، دین و اسطوره به چنین جایگاهی رسید. از این رو حکیمان وقتی از هستی سخن می‌گویند از امری رمز آلود حکایت می‌کنند و لاجرم بیان آنان نیز رمز آلود و نمادین می‌شود. اساس، وجود رمزینست و حکیم آن اصل وجودی را بیان می‌کند. چون حق و صفات او نامتناهی است و عالم، متناهی، ظهور آن نامتناهی در این متناهی جز به صورت نمادین ممکن نیست.» «کلیه‌ی ادیان در ابتدای ظهور خود گرچه از هنرها اعراض می‌کردند، اما این اعراض از سر بی‌نیاز نبوده است بلکه در حقیقت اعتراضی بوده به آئین قدیمی، اما در مدت زمانی دیگر هر دین و آئین نوعی از قهر خود کاسته و با هنرها از در آشتی درآمده است.» (دانشور-ص ۵۹)

«شناخت و کاربرد نمادها در ادبیات و همه‌ی هنرها، کاری ژرف، گسترده، ظریف و پیچیده بوده است. نه فقط در ادبیات و هنرها بلکه کتابهای مقدس همه‌ی ادیان و برخی از کتب فلسفی و عرفانی نیز سرشار از نمادها می‌باشد در بیشتر اشعار بختیاری ما به سراغ جام، خرابات، دیر و مرغ عشق و ... نخواهیم رفت بلکه سراغ از عناصری می‌گیریم که در زندگی ایلی محسوس و ملموس باشد. استعاره‌هایی همچون «کوگ» (کبک) «چویل» (گیاه خوشبو)، چشمه، کوه و ... می‌توانند تعریف نمادین از خود بنمایند و مخاطبی را طلب می‌کند تا با این عناصر نمادین و مفاهیم و مدلول‌های آن آشنا باشد. اصولاً واژه‌ی بیگانه‌ی سنبل که مترادف «نماد» است بر این نکته تأکید می‌کند.» (ناظرزاده کرمانی-ص ۲۶)

1.Symbol

باتوجه به این تعاریف به نمادشناسی عروسی و رقص در ایل بختیاری که ارتباط مستقیم با موسیقی راست دارد می پردازم.

۱- کمر بستن عروس:

زمانیکه عروس میخواهد به خانه ی بخت برود دستمال سفید یا رنگی محتوی نان و سبزی و قند یا نبات دور کمر او می بندند. که این کار توسط برادرش انجام میشود ، علت بستن کمر بند توسط پسر یا مرد به خاطر این است که اولین بچه ی عروس پسر به دنیا بیاید . دیگر اینکه بستن کمر بند قوت قلب و محکمی اراده را در بردارد. خوردنی هایی که در دستمال دور کمر عروس جای می گیرند هر کدام وجوهی نمادین دارند که عبارتند از :

- نان : نماد برکت خواهی

- سبزی: نماد سبزینگی بخت

- قند: نماد سپیدبختی و حلاوت زندگی

۲- گرزنون:

هنگامیکه عروس به طرف خانه ی داماد حرکت می کند قبل از وارد شدن به خانه، اندکی توقف می کند این توقف را در اصطلاح گرزنون^۱ می گویند. گرزنون به معنای ایستادن است . این مفهوم دلیل بر امری نمایشی می کند یعنی درنگ و توقف عروس ناشی از ترس، دلهره، اضطراب و لرزش خاطر وی بخاطر آینده ای نامعلوم است. متأسفانه اغلب ازدواج های ایلی فاقد تصمیم گیری ها و عشق و علاقه دختر است . معمولاً و عُرفاً پدر ، عقل کل و تصمیم گیرنده است. عروس توقف می کند... داماد نیز در برابر این کنش نمایشی به واکنش انسانی دست می زند و برای رفع نگرانی او هدیه ای به عروس می دهد و عروس با عکس العمل محبت آمیز داماد وارد خانه او میشود.

۳- (اوزی) نماد تعاون:

اوزی^۱ عمل نمادین است که قبل از مراسم عروسی صورت می گیرد و آن دادن هدیه به داماد است «اوزی» نماد تعاون و همکاری در ایل بختیاری است. این انگیزه و انگیزه با مفهوم این واژه که اوستایی نیز هست (یاری رساننده)^۲ همگن می باشد.» (مددی-ص ۵۷ و ۵۸)

رقص و جنبه های نمادین آن :

یکی از مهمترین آداب و رسوم در میان ایلات و عشایر ایران رقص و یا حرکات موزون و ریتمیک در کنار موسیقی به عنوان یک سرگرمی و عامل روحیه بخش و نشاط آور می باشد. رقص در زندگی ابتدایی به منظور نیایش، تلقین و یا جادو کارایی ویژه ای داشته و در مراحل گذار و ادوار گوناگون بشریت تاکنون کاربردهای مختلفی را به خود گرفته است. رقص در فرهنگ بختیاری، علاوه بر جنبه ی تفریحی و بزمی آن از جنبه های گوناگون دیگری نیز قابل بررسی است که به شرح ذیل می باشد:

(۱) **جنبه های نمادین و مفهومی رقص:** رقص ها دارای بار مفهومی و نمادین می باشند. بنابراین در بررسی رقص ها باید به جنبه های نمادین رقص ها که در حرکات دست ها، پاها و کل بدن قابل استخراج است توجه گردد. معانی مختلفی در رقص ها نهفته است. گاه شکرگزاری به درگاه خداوند، گاه ترتیب خاص یکی از کارهای زندگی عشایری مانند پشم چینی گوسفندان یا کارهای کشاورزی، سوارکاری، جنگ با مهاجمان فرضی و تهدید آنان در قالب حرکات رقصنده بیان می گردند.

(۲) **جنبه های تاریخی رقص:** رقص مانند دیگر عناصر فرهنگی هر قوم، ریشه در گذشته ی تاریخی آن قوم دارد و با گذشت زمان مفاهیم و آداب آن به دلایل مختلف تغییر کرده یا تثبیت

1-Uzi

2- Uzava

شده است. رقص های ایلات و عشایر نیز از این قاعده مستثنا نبوده است و ریشه در تاریخ ایل دارد. جنگ ها و تهاجم بیگانگان به ایل از مهمترین عوامل تاریخی است که در رقص ها نمود یافته است. از سوی دیگر با تحمیل یکجانشینی یا تخته قاپو به ایلات از خشونت حرکات و سرعت ریتم موسیقی و رقص کاسته شده است. از سوی دیگر با تسلط اقوام دیگر یا نفوذهای فرهنگی که در پی مغلوب شدن و تحت سلطه در آمدن ایل ها در طول تاریخ به وقوع پیوسته است، تغییراتی پیش آمده و رقص های کنونی بیشتر آمیزه ای از رقص های اصیل و عناصر تازه تر می باشند. مثلاً با تسلط اعراب بر ایران یا در طی سلطه ی مغولها تأثیراتی را میتوان در رقص ایلات مشاهده کرد.

مثلاً جنبه های آماده سازی بدنی و تمرینات دفاعی و جنبه های اسطوره ای تقویت شده است.

۳) جنبه ی تعاون و همراهی و هماهنگ کنندگی رقص: رقص ها نوعی هماهنگی و روحیه ی تعاون و همکاری را در شخص ایجاد می کنند. نزدیکی گروه رقصنده با یکدیگر و حرکات یکنواخت و هماهنگ گروه باتوجه به تلاشی که هر شخص در طی آن سعی می کند خود را با دیگران هماهنگ کند نوعی روحیه ی برادری و تعاون در میان افراد ایل پرورش میدهد.

۴) جنبه های عرفانی رقص: یکی دیگر از جنبه های قابل تأمل در رقص ایلات و عشایر وجود عناصر عرفانی، رازورزی و گنوسیسم است همچنانکه در سماع سعی بر آن است که با برداشتن پرده ی عناصر مادی مانند زبان و جسم، بیواسطه و مستقیم به انوار حق واصل شد، گاه عناصر عرفانی و نزدیک به سماع یا رقص عارفانه در رقص ها دیده میشود و گاه مانند رقص و آهنگ مرغ حق در عشایر شرق و جنوب خراسان رقص به تمامی در خدمت عرفان و خداجویی بیواسطه است. از سوی دیگر گاه رقص حالت نوعی ریاضت و تزکیه ی نفس به خود می گیرد.

۵) جنبه های اسطوره ای رقص ایلیاتی: این نیز از مهمترین عناصر رقص ایلی است. توجه به اسطوره ها و سعی در نمایش داستانهای اساطیری و حماسی از عواملی است که باید موردتوجه قرار بگیرد.

۶) جنبه ی آماده سازی بدنی و ورزش برای کسب توانایی انجام کارهای سخت: رقص ها خود نوعی ورزش سخت و آماده کننده ی بدن برای انجام کارهای سخت هستند و در طی آن همانند نوعی ورزش بدن پرورده میشود و به آمادگی لازم جهت انجام امور و کارها می رسد. در رقص چوب بازی که علاوه بر خراسان در بسیاری ایل های دیگر مثل بختیاری ها و قشقایی ها انجام میشود ریشه و بنیاد رقص به زمان تسلط مغول ها به ایران می رسد که افراد ایل در طی رقص با چوب توانایی دفاع و حمله را می آموزند و در آن تبحر می یابند.

۷) جنبه ی رقابت رقص: در رقص های عشایری نوعی حس رقابت برانگیخته میشود که سازنده است و به شخص انگیزه میدهد تا با جدیت کوشش و تمرین بیشتر مهارت خود را ارتقا بخشد خود را به موقعیت مرتبه ی اول و بهترین رقصنده نزدیک کند. رشد روحیه ی رقابت از رقص به کارهای دیگر کشیده میشود و به افراد انگیزه برای تلاش بیشتر و انجام بهتر کارهای ایل می دهد.

۸) جنبه شادی، سرگرمی و آیینی: در مراسم های خاص از آنجا که زندگی کوچ نشینی زندگی سخت همراه با انجام کارهای طاقت فرساست، این نوع زندگی نیازمند کسب روحیه و استفاده از عناصر شادی بخش و سرگرم کننده است. در زندگی ایلی هر لحظه می تواند حوادث سخت و جان فرسایی در برداشته باشد از سوی دیگر در کنار روزهای سخت و پرکار زمان هایی نیز فرا می رسد که در بیلاق یا قشلاق ایل کار چندانی برای انجام ندارد، این درست فرصتی است که در عروسی ها، مراسم ختنه سوران و دیگر آیینهای سرور و شادمانی و سرگرمی ها، فرصت بروز می یابند. مهمترین سرگرمی های ایلی را میتوان در رقص ها و بازی ها دید. عناصر مشترک بسیاری مابین رقص ها و بازی ها وجود دارد، در میان عشایر فارسی زبان خراسان به رقص، واژه ی بازی اطلاق می شود در عین اینکه بازی یا رقص بسیار جدی گرفته میشود و گاهی حتی نوعی عبادت، دعا یا طلب حاجتی از آفریدگار به حساب می آید.

۹) جنبه ی موسیقایی و ریتمیک: همراهی سازهای خاص در هر ایل که نشان از روحیات خاص با رقص و هماهنگی سازها و فراز و فرود نغمات گوناگون که در طول رقص اجرا

می شود ، با ادواری که سازهای کوبه ای اجرا می کنند ، تصویر ایل را به نمایش می کشد و بدین گونه تمایزات آشکار می شود.

۱۰) **جنبه های دینی رقص:** رقص های ایلی گاه حالت عبادت یا طلب حاجتی به خود می گیرد مانند رقص طلب باران در عشایر جنوب خراسان . در برابر چنین رقص هایی حاضر در صحنه ، نوعی حالت احترام و اعتقاد معمولاً نه تنها رقصنده بلکه دیگر افراد قابل رویت است. این رقص - ها بسیار جدی گرفته میشود و همگان در انجام آن که نوعی عبادت به حساب می آید همکاری می کنند.

۱۱) **جنبه ی بخاطر سپاری کارها یا آیین های خاص:** در رقص هایی که این جنبه در آن دیده میشود نوعی کار، فن یا مراسم خاص با دقت و وسواس کامل به اجرا در می آیند . این رقص ها همچنین نوعی کارکرد آموزشی برای جوان ترها دارند و شخص را برای انجام یک کار یا آیین خاص آماده می سازند . مثل رقص شالیکاری در مازندران و یا رقص قاسم آبادی در گیلان یا رقص خوشه چینی در فارس یا رقص گندمکاران در عشایر خراسان. در رقص قاسم آبادی مراحل کامل نشاکردن برنج و مراحل دیگر برنج کاری به ترتیب و بطور کامل اجرا می گردد.

حروف الفبا و برابریهای آوایی آنها

â = آ	a = ا، ع
e = اِ	o = اُ (اُ کشیده)
ou = اُو	ei = ای آغازین
b = ب	i = ای میانی و پایانی
P = پ	r = ر
t = ت، ط	Š = ش
s = س، ص، ث	f = ف
j = ج	q = ق، غ
č = چ	k = ک
h = ه، ح، هـ	g = گ
x = خ	l = ل
d = د	m = م
z = ز، ض، ذ، ظ	n = ن
y = ی	v = و

اشعار مراسم عروسی در ایل بختیاری:

«زنان با تجربه اشعاری می خوانند که به جهت آنکه مردم این ایل در فشار و تنگدستی زندگی میکردند و می خواستند که مثل خان زندگی کنند، چون خان را نماد موفقیت در زندگی می دانستند از این رو اشعاری را که برای مراسم عروسی یک زوج می خواندند معمولاً در وصف خان ها و ایلخان ها بود. این روش هنوز هم در میان عده بیشماری از سالخوردهگان دیده میشود. به هر حال وقتی به طرف خانواده عروس حرکت می کنند به همراه ساز و دهل (توشمال) آهای گلی گلی گلی را می خوانند. آن اشعار به شرح زیر می باشد:

- خان تفنگس خان تفنگس خان تفنگس لری یه

کله شاخ^۱ شاخ شاهی سرکس مرواری یه

[Xân tofanges xân tofanges xân tofanges loriye

Kale šaxe šaxe šahi sar labes morvâriye]

معنی: تفنگ خان از نوع سرپر است و سر شاخ خان نیز همانند سرشاخ پادشاه از مروارید ساخته شده است.

- هم اویدیم هم اویدیم جویمون دارائی یه

زن بدینمون نه نیارین االص ما ایلخانی یه

[ham oveymdim ham oveymdim jóumemoún dârâiye

Zan bedinmoún na nayârin alse mâ ilxâniye]

معنی: باز آمدیم درحالیکه لباس برازنده بر تن داریم به ما زن بدهید و جواب منفی ندهید که اصل و نسب ما از ایلخانان است.

^۱ - کله شاخ: لبه جلو کلاه را گویند.

- بی وی^۱ عروس ناز مک و بند ریتِه وازمک

هر کجه دو ما نشینه پُر صدا آواز مک

[bivi aroús nâz mako vo bande rite vâz mako

Har koje doúma nešine por sedâ âvâz mako]

معنی: بی بی عروس ناز نکن بند رویت را هم باز نکن (تورسفید) هر کجا داماد نشسته تو با آواز بلند صحبت نکن.

- داک^۲ دو ما داک دو ما چنی گردی تیس و تیس^۳

جارو بک جارو بک جاکه عروس گل بریس

[dâke doúma dâke doúma čani gardi tiso tis

Jârou beko jârou beko jâke aroús gol beris]

معنی: مادر داماد چقدر تیز و تند می گردی، جای عروس را جارو کن و گل بریز.

بعد از خواندن این اشعار و رسیدن به خانه ی عروس، پدر عروس با خوشحالی و چهره کاملاً راضی به آنها خوش آمد می گوید. کلیه مهمان ها پس از استقرار در خانه ی عروس و صرف چای، شیرینی و غذا به همراه ساز و دهل، آهنگ حنا حنا را دم می گیرند و سپس همه مهمانان با کف زدن گل گل بند حنا را جواب میدهند. آنگاه توسط یکی از بزرگان خانواده داماد و عروس (که غالباً زن سالخورده ای است) حنایی به کف دست عروس و داماد می گذارد. این مراسم را حنابندان می گویند.

بعد از مراسم حنابندان فردای آن روز عروس و داماد به محضر می روند تا خطبه ی عقد توسط عاقد جاری شود. پس از قرائت خطبه ی عقد عروس و داماد زن و شوهر می شوند و

^۱- بی وی (بی بی): لقبی است اشرافی و بزرگ برای زنان بختیاری

^۲- دا: مادر

^۳- تیس و تیس: تیز و تیز یا تند و سریع

مادر عروس تمام وسایلی را که برای دخترش خریداری نموده به عنوان جهیزیه در ورقی می نویسند و عده ای به عنوان شهود زیورقه را امضا می کنند. همچنین رسم است مقداری شیرینی و قند و نبات داخل دستمال بزرگی می بندند تا برادر عروس آنرا به دور کمر خواهرش ببندد. این رسم را اصطلاحاً پشت قدبستن می نامند.

آلمان آلمان

یکی دیگر از اشعار موسیقی راست شعر المان المان است که در هنگام عروسی ها و جشن ها می خوانند. شاید المان المان یک استعاره باشد. اما هرچه هست برای معشوق خوانده میشود که به شرح ذیل است:

– المان المانی المان ای جوئم

تانشسه کد باریک م زن نیسوئم

[almân almâni almân ey jóúnom

Tâ nešase kadbârik mo zan nisoúnom]

معنی: ای المان که جان منی و با آن کمر باریک نشسته ای و با من هستی من با دیگری ازدواج نخواهم کرد.

–عاشق تی یلتم او قد شاللت

حق دارم و گردنت نیکم خاللت

[âšeqe tiyaletom ou qade šalâlet

Haq dârom ve gardanet nikonom halâlet]

معنی: عاشق چشم ها و آن قد و قامت بلند تو هستم من حق به گردن تو دارم و تو را حلال نخواهم کرد.

- المان المانی المان ای جوئم

تا نشسته کدباریک م زن نیسوئم

سه چیه قیمتی قدرس^۱ نونی

شو و مه فصل بهار عهد جونی

[se čiyē qimatiye qadrese naoni

Šao vo ma fasle bohâr ahde javoúni]

معنی: سه چیز بسیار با ارزش است ولی تو قدر آنها را نمی دونی شب مهتابی، فصل بهار، قول و قرارها در دوران جوانی .

- المان المانی المان ای جوئم

تا نشسته کدباریک م زن نیسوئم

هر دردی هر بلایی بلا گردوئم

تی یه کال دی کی اییایی دَرِدِت وِ جوئم

[har dardi har balâi balâ gardoúnom

Tiye kâl di key eiyây dardet ve jóúnom]

معنی: هر درد و بلایی که داری برای من باشد ای کسی که دارای چشمهای سیاه هستی کی به منزل ما می آیی تا درد و بلای تو را به جان بخرم.

نی نای

یکی دیگر از ترانه های موسیقی است که به هنگام جشن و سرور یا به هنگام عروسی می خوانند. نی نای از نظر لغوی به معنای گلوی باریک و قشنگ است، اما ممکن است یک استعاره نیز باشد، لازم به ذکر است که این آهنگ را بیشتر اهالی رامهرمز و باغ ملک و باب های کیانرسی و جانکی اجرا میکنند.

^۱- قدرس: قدر و منزلتش